

پرونده
ویژه

ه‌گردیدسی خبیث ودروغ

اشاره:

خدا رحمت کند مرحوم مدرس را که علاوه بر همه کیاست و تیزبینی و دین‌فهمی‌هایش، روحیه رک‌گویی، حاضر جوابی و رندی او خود یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت این فقیه وارسته در عرصه سیاست بود. نقل می‌کنند روزی رضاشاه برای او پیغام داد که: «سید! پایت را روی دم من نگذار!» سید هم در جواب نوشت «حضرت والا محدوده دم خودشان را دقیقاً مشخص بفرمایند، چون من هر کجا پا می‌گذارم دم حضرت عالی آنجاست!!»

این حکایت را به این تناسب عرض کردم که در این شماره هم به احکام یکی از آفات مهم روابط اجتماعی انسان خواهیم پرداخت که مانند بسیاری از موارد دیگر از عضو کوچک و خطرناک بدن انسان یعنی زبان سرچشمه می‌گیرد. در واقع وقتی به بسیاری از مشکلات رفتاری انسان‌ها توجه می‌کنیم، می‌بینیم به نوعی پای این عضو مهم و البته خطرناک در میان است و الحق که در وصف زبان خوب فرموده‌اند: «جرْمُه صغیر و جرْمه کبیر» یعنی اندازه و جرمش کوچک است، اما جرمش بسیار بزرگ است و انواع و اقسام رذایل اخلاقی و گناهان ریز و درشت مانند دروغ و غیبت و بددهانی و سخن‌چینی و... از این عضو سرخ که سر سبز بر باد می‌دهد، صادر می‌شود. در این شماره هم به یکی از خطرناک‌ترین آفات زبان یعنی «تهمت» خواهیم پرداخت.



تفہیمِ اتہام
حالا برویم سر اصل مطلب و ببینیم این تہمت لاکردار چیست کہ این قدر خلاقیت گرفتار آن هستند؟! «وہم» گرفته شدہ است. در واقع تہمت بہ معنای متہم خلاقیت گرفتار آن ہستند؟! «وہم» مصدر باب افتعال در اصل اوتہام بودہ کہ بہ جہنمی قبل از کنکور خواست

و غالباً تهمت ثمره پیرو دروغ می شود آن هم وضعیت اسفناک ایران است. عیب و اشکال او بیان می شود در اکثر موارد تهمت در جهت تهمت به همین جهت دارد. حتی غیبت دارد. البته تهمت ضرورتاً پشت سر دیگران مطرح نمی شود و به هر نوع نسبت ناروا و غیر واقعی که به دیگران زده شود تهمت می گویند و به همین جهت بازار تهمت در دعوای هم نزاعها و نزاعها بسیار داغ است، چون معمولاً در این دعوای طرف از هر ابزار ممکن برای ضربه زدن به طرف مقابل استفاده می کنند و بسیاری از موارد که مجالی برای دعوای فیزیکی و کتبی کاری های متعارف نیست و فحش و ناسزا هم به دو طرف شروع می کند به تهمت پراکنی و ندارند، اینجاست که زبان سرخ دو طرف مختلف سیاسی و اجتماعی اجازه استفاده تخریب طرف مقابل با طرح امور غیر واقعی و انتساب رفتارها و گفتارها و قصد غرضها به او؛ در حالی که روح آن فلک زده از این امور خبر ندارد!

قبل از ورود

و آن این که ممکن است برخی افراد گمان کنند این قبیل موضوعات و مشکلات اخلاقی امروزه چندان دغدغه اصلی و مشکل اساسی محسوب نمی‌شود، زیرا با این همه مشکلات جور واجور اقتصادی و دغدغه مالی نان ۵۰۰ تومانی و مرغ ۷۰۰۰ تومانی دیگر حال و مجالی برای نشستن و تهمت زدن به این و آن باقی نمی‌ماند چون این کارها مربوط به خالهنک‌های بی‌کاری شکم سیرهای بی‌عار است که این افراد هم امروزه و تهمت زدن به این و آن!! در جواب این دسته از دوستان خوش کاملاً...

یعنی در این روزگار وانفسای اقتصاد و فرهنگ و سیاست

آنچه بیش از هر زمان رواج دارد، خطر همین آفات اخلاقی و رفتاری مانند تهمت است که دین و دنیای عده‌ای را بر باد می‌دهد و اگر زمانی «کلثوم ننه» در حلقه زنان همسایه تهمتی به «اقدس باجی»، جاری‌اش می‌زد امروزه افراد کله‌گنده و سرشناس در سایت‌ها و وبلاگ‌ها تهمت‌های چند ریشتری را شکل می‌دهند و حتی خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های گوناگون برای گرم ماندن بازار مکاره دنیایشان از قول یک منبع آگاه که خواست نامش فاش نشود (و اصلاً وجود خارجی ندارد) چه تهمت‌های ناجونمردانه و آشوب‌سازی که به خورد میلیون‌ها مخاطب ناآگاه نمی‌دهند!

کلام یک مسئول تقلبات اقتصادی، عده‌ای با تهمت و تحریف نسبت‌های ناروا که در همین آشفته بازار به فلان مسئول و بهمان سائل داده نمی‌شود! معضل از این بزرگ‌تر و خطر از این جدی‌تر؟!

تهمت‌هایی در حد المپیک

از همین جا بد نیست به ذکر برخی انواع و اقسام بسیار خطرناک تهمت بپردازیم زیرا تهمت هم برای خود انواع و اقسامی دارد. مثلا از جهت دامنه و گستره افرادی که مورد اتهام قرار می‌گیرند گاهی تنها یک نفر مورد اتهام است و بر فرض در یک دعوای زن و شوهری، خانم بدبین به شوهرش تهمت می‌زند که حتما از ثبت کردن شماره موبایل مسئول اداری و مالی شرکت‌شان که یک خانم است غرض سوئی داشته و گاهی افراد متهم بیشترند. مثلا زیاد می‌شنویم که یک گروه خاصی یا یک صنف معین و یا حتی یک قوم و طایفه مورد تهمت‌زنی قرار می‌گیرند.

به این تعبیر دقت کنید: «به نظر من همه این کاندیداهای مجلس انسان‌های دنیاطلب و سودجویی هستند که هدفی جز رسیدن به قدرت و فرصت رانت‌خواری ندارند»... «اگر دقت کنی می‌بینی که همه این وکلای دادگستری و قضات، دست‌شان با هم در یک کاسه است و همه این دادگاه‌ها و جلسات دادرسی ظاهرسازی است...» همه این جملات که روزانه در گوشه و کنار می‌شنویم و یا در سایت‌ها و روزنامه‌ها و... می‌خوانیم تهمت‌هایی هستند که به مراتب از یک تهمت ساده و تک‌مخاطب خطرناک‌ترند و گاهی در حد بین‌المللی انسان را گرفتار حق‌الناس می‌کند؛ بخصوص که برخی از این تهمت‌ها در ذهن جامعه ماندگار می‌شود و سال‌ها بعد یک فرد یا یک طایفه را رها نمی‌کند و بدیهی است که گناه این تهمت نادرست چقدر بزرگ خواهد بود.

کوچکی تهمت و بزرگی متهم

یکی دیگر از اقسام بسیار خطرناک تهمت آن است که انسان نه یک فرد عادی؛ بلکه یک انسان بزرگ را مورد اتهام قرار دهد که این تهمت هر چند به ظاهر کوچک باشد، اما ابعاد خطر آن بخاطر بزرگی فرد مورد اتهام بسیار بزرگ خواهد شد. بدترین شرایط در این مسأله تهمت زدن به بزرگان دین مانند انبیا و ائمه است که در برخی شرایط ممکن است به ارتداد و کفر فرد تهمت‌زننده هم منجر شود، اما در موارد پایین‌تر تهمت زدن به عالمان و اندیشمندان دینی و مقربان درگاه خداوند است که به واسطه انتساب این افراد به دین، تخریب وجهه ایشان لطمه‌ای سخت به پیکره دین و اعتقادات مردم هم وارد می‌سازد و به همین جهت این قبیل اشتباهات و تهمت‌ها در مواردی زیانباری به دنبال دارد. به همین جهت این قبیل اشتباهات و تهمت‌ها در مواردی عقوبت‌های سخت خداوند را در پی دارد. زینب‌باری به مدح اهل بیت و... می‌کرد. بعد از مرگش در خواب دیدند که ملائکه او را به درختی بسته و شلاق زده می‌گویند: «تو را با عالم چه کار؟!». به هر حال قابل توجه معنادان به غیبت و تهمت که اگر بنا است هر از گاهی تهمتی بزنند و یا غیبتی بکنند حواس‌شان جمع باشد که سوژه را از امثال خودشان انتخاب کنند نه از علما و بزرگان؛ والا ملائکه جدیداً از شلاق استفاده نمی‌کنند و شوکرهای جدید با ولتاژ ۱۲۰۰۰ ولت در انتظار شماست!!!





توبه تنها نیمی از راه

اما اگر خدای نکرده انسان به این بلا مبتلا شد، برای رفع و رجوع آن چه خاکی باید بر سرش کند؟! آیا با یک توبه تپل!! می‌توان این آلودگی را کلاً delete کرد؟

با کمال شرمندگی خدمت این گنهکاران بخت برگشته باید عرض کنیم که خیر! این تو بمیری از آن تو بمیری‌های قبل از هدفمندی یارانه‌ها نیست!

اصولا اگر طرف حساب انسان فقط خدای کریم باشد، گناه هر چه بزرگ باشد باز چاره کار آسان است، اما در مورد گناهان دوگانه سوز! که هم حق الله هستند و هم حق الناس (مثلا همین تهمت) توبه به درگاه الهی تنها نیمی از راه است و باید رضایت طرف مقابل را هم جلب کرد. البته همان‌گونه که در بحث غیبت هم در گذشته مطرح کردیم، اگر ذکر این مسأله و اظهار آن به طرف مورد تهمت موجب ناراحتی‌ها و مشکلات جدیدی می‌شود طبق نظر برخی از مراجع نیازی به آن نیست. اما در خصوص تهمت این نکته دقیق وجود دارد که اگر تهمت زدن به دیگری موجب هتک حیثیت او شده باشد طبق نظر همین مراجع اعاده حیثیت یا جبران آن لازم است و اینجاست که باید به حال زار برخی تهمت‌زندگان بی‌تقوا گریست که با یک حرف مفت و بی‌سند و مدرک آبروی یک مسئول یا شخصیت سیاسی را بر باد می‌دهند و حیثیت اجتماعی او را لجن‌مال می‌کنند و بعد با «بک یا الله» شب قدر می‌خواهند این کثافت‌کاری‌هایشان را پاک کنند.

یک لحظه تهمت یک عمر پشیمانی

اما در خصوص آثار و پیامدهایی که ممکن است برای تهمت گریبان‌گیر انسان شود، به غیر از مورد ارتداد که در مورد حضرات معصومان است؛ اولین و متأسفانه از شایع‌ترین موارد «حد قذف» است. حد قذف که همان ۸۰ ضربه شلاق است، در صورتی ثابت می‌شود که یک فرد مؤمن را به رابطه نامشروع متهم کرده و نتواند این اتهام را به اثبات برسانند. در واقع اگر بنا بود همه موارد این جرم به اجرای حد منجر شود چه بسیار افراد تاکنون طعم تلخ حد شرعی را چشیده بودند. زیرا تهمت زدن به دیگران در این مورد خاص با کمال تأسف و رواج بسیاری دارد. اما در موارد دیگر تهمت، ظاهرا حد شرعی ثابت نمی‌شود مگر آن‌که بواسطه این تهمت زدن جرمی اتفاق بیفتد یا صدمه جانی و مالی یا حیثیتی به فرد یا مجموعه‌ای وارد شود که در این صورت قاضی می‌تواند تعزیر و مجازاتی را برای فرد تهمت‌زننده در نظر بگیرد.

اما باید توجه داشت که همه این‌ها تنها جرم ظاهری و دنیایی است در حالی که تبعات باطنی و معنوی و پیامدهای اخروی تهمت بسیار بسیار خطرناک‌تر است. مثلا در روایت آمده وقتی انسان مؤمن به برادر مؤمنش تهمت می‌زند ایمان در قلب او ناپدید می‌شود. همان‌گونه که نمک در آب حل می‌شود و ناپدید می‌گردد. (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۱)

در روایت دیگر هم آمده: ملعون است کسی به برادر مؤمنش تهمت بزند (وسائل الشیعه ج ۱۲، ص ۳۰۲)

به هر حال بر هر انسان عاقلی پوشیده نیست که از دست رفتن ایمان یا دور شدن از رحمت خداوند (ملعون شدن) آن هم با این تأکید چیزی نیست که بتوان پیه آن را به تن مالید و گفت: جهنم! «حالا ما تهمت می‌زنیم تا دل‌مان خنک شود بعد توبه می‌کنیم!!»

داداش! تو هم؟!!

اما در کنار گناه تهمت زدن نکته دیگری که از دید ائمه معصومین (علیهم‌السلام) مورد توجه قرار گرفته و از ظریف‌ترین نکات اجتماعی است آن است که انسان نباید به گونه‌ای رفتار کند که در معرض تهمت قرار بگیرد. در واقع همان‌گونه که سوءظن و تهمت زدن به دیگران زشت و قبیح است، به گونه‌ای رفتار کردن که موجب شکل‌گیری سوءظن و طرح تهمت از جانب دیگران در مورد انسان شود هم عملی نادرست است که در روایت از آن پرهیز داده شده. مثلا امام علی (علیه‌السلام) فرموده: «هر کس خود را در جایگاه تهمت قرار دهد دیگری را که به او سوءظن پیدا نمود ملامت نکند...» (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۷)

این دسته از روایات به شکل ضرب‌المثلی مشهور درآمده که: «إِتَّقِ مِنْ مَوَاضِعِ التُّهْمِ» یعنی پرهیز از جایگاه تهمت‌ها... پس موضع نادرست سیاسی یا سکوتی بی‌مورد یا سخنی دو پهلو یا رفتاری مشکوک... به هر حال عدم شفافیت در بسیاری از موارد می‌تواند مصادیق بی‌توجهی باشد که باید از آن پرهیز کرد و نمی‌توان گفت چشم دیگران کور تقوا داشته باشند و تهمت نزنند، به قول دوستی عزیز: «إِتَّقِ مِنْ مَوَاضِعِ التُّهْمِ؛ داداش! تو هم!!»